

تحلیل کنکور ۹۸ رشته ریاضی نظام جدید ۱۱۱ - A محمد رضایی بها

۵۱ - گزینه (۳): (درس ۱، دین و زندگی ۱، صفحه ۱۶)

برای انتخاب صحیح هدف‌ها و دل‌بستگی به آن‌ها باید ارزش هدف‌ها را مشخص کنیم و متناصب با ارزشی که دارند، به آنها رتبه دهیم. این چنین، هدف‌های زندگی به هدف‌های اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند.

دلیل نادرستی گزینه‌های (۲ و ۴): قیدهای «تنها» و «فقط» برای هدف‌های اصلی، نادرست اند زیرا هدف‌های فرعی نیز خوب و ضروری اند.

دلیل نادرستی گزینه (۱): اگر هر کس با پیش و تلاش خاص خود به سراغ هدفی برود، هدف صحیح انتخاب نمی‌شود.

۵۲ - گزینه (۴): (درس ۹، دین و زندگی ۱، صفحه ۹۹ و ۱۰۰)

محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است. فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد، ریشه در دل‌بستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدمی جهت می‌دهد.

کمال محبت الهی در عبارت «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» و کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا را محبت بیشتری دارند. در انتهای عبارت قرآنی «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْذَارًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ».

۵۳ - گزینه (۲): (درس ۲، دین و زندگی ۱، صفحه ۱۵)

خداوند با دارن نعمت‌های مادی و معنوی به انسان، او را گدایی‌دسته و به او کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است. آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان آفریده و توانایی بهره‌مندی از آنها را در وجود او قرار داده است. همه این‌ها نشان می‌دهد خداوند متعال برای انسان در نظام هستی جایگاه ویژه‌ای قائل شده است.

محمد رضا بنی

۵۴- گزیده (۱): (درس ۳ و ۴، (دین و زندگی ۳، صفحه های ۳۴ و ۷۲)
 وقت شود که ست ابتداء، بالکد و ازده فتنه در آید و «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حِدِّهِ
 فَإِنِ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَ إِنِ أَصَابَتْهُ فَتْنَةٌ اِنْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةَ
 وَ لَئِكَ هُمُ الْخُسِرَاءُ الْمُبِينُونَ: از مردم کسی هست که خدا را بر یکی جانب و کنده ای [تنها به زبان و
 هنگام وسعت و آسودگی] عبارت و زندگی می کند. پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می گیرد و
 اگر بلایی به او رسد، از خدا رویگردان می شود. او در دنیا و آخرت، [هدیه] زبان می بندد. این همان
 بیان آشکار است. «اشاره شده است و رویگردانی از خدا، و انفس عابدان از روی تردید در برابر
 فتنه ها و ابتلاوات است.

۵۵- گزیده (۱): (درس ۴، (دین و زندگی ۳، صفحه های ۴۸ و ۴۹)
 یکی از راه های تقویت اخلاص، راز و نیاز با خداست و یکی خواستن از او است. زیرا نیاز و عرض
 نیاز به پیشگاه خداوند و یاری جستن از او برای رسیدن به اخلاص، غفلت از خداوند را کم می کند، محبت
 او را در قلب تقویت می سازد و انسان را بهر مند از کمک های الهی می نماید.

۵۶- گزیده (۲): (درس ۴، (دین و زندگی ۳، صفحه های ۲۲ و ۵۸)
 آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يُحِيطُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْ تَرَوْهَا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ:»
 همانکه خداوند نگه می دارد آسمان ها و زمین را از آنکه نابود شوند، و اگر ~~بخواهند~~ بخواهند نابود شوند،
 کسی نمی تواند آنرا حفظ کند، مگر خود خداوند. «بیانگر تنهایی خداوند از جهان است که مربوط به تدبیر
 امور جهان بوده و توحید در ربوبیت را می رساند. این آیه به ویژگی پادشاهان جهان و تنهایی خدا اشاره دارد
 که به ترتیب بیانگر قدر و قضای الهی است.

۵۷- گزیده (۴): (درس ۱ و ۲، (دین و زندگی ۳، صفحه های ۱۹ و ۱۰)
 آیه «اللَّهُ الْقَدُّمُ» بیانگر بی نیازی خداوند است که با عرض نیاز دائمی و پیوسته موجودات به پیشگاه خدا
 در آیه «يَسْأَلُهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ:» هر آنچه در آسمان ها و زمین است،
 پیوسته از او درخواست می کند. او همواره دست اندر کار امور است. «مربوط است.

محمد رفیعی بقا

۵۸- گزینہ (۳)، (درس ۱، دین و زندگی ۳، صفحہ ۱۰۱)

شخص به نیکی دانی و لحظه به لحظه عنایات پرستیده خداوند در بیت ۱ ماهه شیدان ولی شید علم
 جمله بیان از بار باشد درم « آگاه باشد » یعنی معرفت خود به رابطه اش با خدا را بیشتر
 احساس و محبت و بندگی خود را بیشتر ابراز کند. ~~پیامبر~~ برای همین است که پیامبر گرامی ما،
 با آن مقام و منزلت خود در پیشگاه الهی، عاجزان از خداوند می خواهد که برای یک لحظه هم،
 لطف و رحمت خاصش را از او تلبید و او را به حال خود واگذار نکند: « اللَّهُمَّ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي
 طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا » خدایا مرا چشم به هم زدن به خودم واگذار. »

۵۹- گزینہ (۱)، (درس ۶، دین و زندگی ۲، صفحہ ۸۰)

رسول خدا (ص) آن قدر با صبر و تحمل، به هدایت مردم می داد، که گاه نزدیک بود
 از شدت غصه و اندوه فراوان از یاد آید که خداوند به او فرمود: « لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ
 أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ » از آنکه برخی ایمان نمی آورند شاید که جانیت را [از شدت اندوه] از دست
 بدهم. « این آیه بیانگر سخت کوشی و دلسوزی پیامبر در هدایت مردم است.
 انما علی (ع) در توصیف طبابت سید رسول خدا (ص) فرمایند: « ... بر دل های کور، گوش های که،
 زبان های گنگ، او با دلو های خوشش بپازان غفلت زده و سرگشته را درمان می کرد. »
 دقت شود که اشاره به ~~...~~ « دل خالی از کدورت »، به حدیث پیامبر در مورد « محبت و مدارا با مردم »
~~...~~ توصیف می دهد.

۶۰- گزینہ (۴)، (درس ۲، دین و زندگی ۲، صفحہ ۲۶)

وجود دو یا چند دین در یک زمان نشانگر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان
 نیاورده اند و این کار به معنای سرپیچی از فرمان خدا و عدم پیروی از ~~...~~ پیامبر
 گذشته است.
 دقت شود که سرپیچی از کتاب آسمانی صحیح نیست. زیرا انوما در همه کتاب ها به پیامبر بعدی شهادت
 داده نشده است. اما خود پیامبر به آمدن پیامبر بعدی شهادت می داد و به پیروی از او تأکید می کرد.
 آن زمان که دینی غیر از اسلام را برگزیده اند، در آخرت زبان می بینند: « وَ هُمْ يُبْخِشُونَ عَنَیْرَ الْإِسْلَامِ دِینًا »

قُلْتُ يُقْبَلُ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْأَخِرَةِ مِنْ الْخَاسِرِينَ وَوَلَسَّكَ (یعنی جزا اسلام اختیار کند، از او پذیرفته خواهد شد و در آخرت از پیمان کاران خواهد بود) «

۶۱-گزینہ (۱): (درس ۵، دین و زندگی ۲، ص ۵۰۲ و ۵۰۳)

حدود ~~صلوات علیکم~~ سه سال از بعثت گذشته بود که اولین دعوت علنی پیامبر، این فرس از جانب خداوند بران پیامبر آمد: «وَأَنْتَ عَشِيرَتُكَ الْأَقْرَبِينَ: خویشانت نزدیکیت را اقرار کن.» برای انجام این دستور، رسول خدا (ص) چند نفر از بزرگان بنی هاشم (عشیره خود) را دعوت کرد و درباره اسلام با آنان سخن گفت و آنان را به اسلام دعوت کرد. همه میمانان سکوت کردند و جوابی ندادند و فقط علی (ع) ^{حضرت} سه بار اعلام وفاداری نمود و پیامبر ایشان را به عنوان هاشمیان خود معرفی کرد.

۶۲-گزینہ (۲): (درس ۵، دین و زندگی ۲، ص ۵۱۵)

امام حسین (ع) در زمان معاویه همان روش پیاد ~~پیاد~~ بزرگوارش (امام حسن (ع)) را پیش گرفت و تا معاویه زنده بود (به مدت ۴۵ سال) علیه او جوار تکرر و یکی با انتقادها و شهادت از معاویه بردار

آنگاه بخور

۳۴ و ۳۵

۳۴-گزینہ (۱): (درس ۳، دین و زندگی ۱، ص ۳۴ و ۳۵)

دیدگاه اعتقاد به معاد در آیه: «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَاةُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ: این زندگی دنیا، چیزی جز سرگرمی و بازی نیست و سران آخرت، زندگی حقیقی است. اگر می دانستند.» مطرح شده است. در این دیدگاه، پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی بیندند؛ بلکه آن را غروب بران جسم و تن انسان و حلولی در حقیقتات تر بران روح انسان می دانند یا پلی به حساب می آورند که آدمی را از یک مرحله هستی (دنیا) به هستی بالاتر (آخرت) منتقل می کند. آمان آخرت را زندگی حقیقی: «لَهِیَ الْحَيَاةُ» توصیف می کنند.

وقت شود که در آیه ذکر شده، به کم ارزشی دنیا تأکید شده است، نه بی ارزشی آن. (نارسی)

محمد رضایی بقا

۶۴ - گزینہ (۲) : (درس ۴ ، دین و زندگی ۱ ، صفحہ ۴۸ و ۴۹)

حجت از پاداش و کفر اعمال، مروط - عدل الصوابت بکرات و دلیل امکان ناپدید بودن برقرار است
 عدل الصوابت در دنیا، این است که پاداش بسیار از اعمال، مانند ثوابت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر
 نیست. پس ضرورت دارد که جهان دیگری باشد که شخص سید به پاداش عمل خود میرسد و این
 همان سزیم ضرورت معاد در پرتو عدل الهی است که در آیه «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ» آیات آنها را که ایمان
 آورده و کارهای شایسته انجام داده اند مانند فاسقان و فجار را قرار خواهیم داد؟ آیات متقین را
 مانند ناپاکان و بدکاران قرار خواهیم داد؟ اشاره شده است.

۶۵ - گزینہ (۳) : (درس ۱ ، دین و زندگی ۲ ، صفحہ ۱۱)

انسان به عدل دارد بودن اختیار می تواند راه های دیگری را نیز برگزیند اما چنان که گفته شد،
 چون هر برنامه دیگری غیر از برنامه خداوند نمی تواند پاسخ درستی ب آن نیازها بدهد، انسان
 زیان خواهد کرد و بار دست خالی دنیا را ترک گفته و به دیار آخرت خواهد شتافت و در آنجا
 نژاد خود را مشاعره خواهد کرد. قرآن کریم چنین تصویر «ناسیه» نامیده و می فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ
 السَّبِيلَ إِمَّا نَكْتُمُ الْأَنْفُسَ إِذَا كَفَرُوا» : همانا ما راه را به او نشان دادیم. یا سینه را خواهد برون یا ناسیه را

۶۶ - گزینہ (۱) : (درس ۶ ، دین و زندگی ۱ ، صفحہ ۶۵)

با پایان دوران زندگی انسان در دنیا، مرحله اول قیامت آغاز می شود که اولین حادثه در آن ~~تجسس~~
 مستند شده صدای صیب است. صدای ~~تجسس~~ سیه گین که همه آسمان ها وزش را فرامی گیرد و این
 اتفاق چنان ناگهانی رخ می دهد که همه را غافلگیر می کند.

۶۷ - گزینہ (۳) : (درس ۱۱ ، دین و زندگی ۱ ، صفحہ ۱۲۷)

دقت شود که در این سؤال، پیامد تبتج خواسته شده است، نه تعریف آن.
 معنای این است که برخی انسان ها در آراستگی و ابزار وجود و مقبولیت، دچار آندوس می شوند؛ به گونه ای که
 در آراسته گشت خود، زیاده روی می کنند و به خود نمایی می رسند. قرآن کریم این حالت را تبتج می نامد و آن را

محمد رضایی بها

کتابی جاهلان می شمرد
اما باید تبیین این است که باعث عقبت انسان از هدف اصلی زندگی و مشغول شدن به کارهای بی شکر
و زیاده روی در آسایش و توجیهش از حد آن
عاقبتی جز نرسیدن از خدا
ندارد

۶۸- تخریص (۴): (درس ۷، دین و زندگی ۳، صفحه ۱۸۹)

از روش هار شیطان برای کشاندن انسان به شقاوت این است که او را گامی گام و آهسته به سمت
گناه می کشاند تا در این فرایند تدریجی، متوجه زشتی گناه و قبح آن نشود و اقدام به توبه نکند.
حلیه شریف به معنای امروزه فردا کن و کار امروز را به فردا انداختن است. به عبارت
دیگری
«تیر، فردا نکند» دائماً به خود می گوید «به فردا توبه می کنم» و این تفت را آن قدر تکرار می کند،
تا اینکه میل به توبه در او خاموش می شود.

۶۹- تخریص (۳): (درس ۴، دین و زندگی ۲، صفحه ۴۰ و ۴۹)

قرآن مجید در مورد ضرورت پذیرش وحایت الهی و تسلیمیت طاعت می فرماید: «الْم تَرِ الْاِیُّ الَّذِیْنَ
یَزْعُمُوْنَ اَنْهُمْ اَمْتَدَا بِمَا اُنْزِلَ اِلَیْکَ وَ مَا اُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ یُرِیدُوْنَ اَنْ یَسْجُدُوْا لِیُّ الْاِطَاعَةِ
وَ قَدْ اَمَرُوْا اَنْ یُکْفِرُوْا بِهٖ وَ یُرِیْدُ الشَّیْطَانُ اَنْ یُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِیْدًا: آیا ندیده ای کسانی که
همان می برند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، اما می خواهند داوران به نزد
طاعت برند، حال آنکه به آنان دستور داده شده که به آن کفر بوزند و شیطان می خواهد آنان را
به گمراهی دور دراز بکشد» بین ویرانی که شیطان ^{کسانی} آنان را به گمراهی دور دراز می کشاند،
ایمان بنداری است: «یَزْعُمُوْنَ اَنْهُمْ اَسْفَا».

۷۰- تخریص (۳): (درس ۶، دین و زندگی ۳، صفحه ۷۷ و ۷۰)

بنابر سخن امام صادق (ع) درباره سنت استرجاع: «هنگامی که خداوند شتر بنده اسیر بنده ای که
غرق گناه شده است را بخواد، بعد از انجام گناه نهی می به او می بخشد تا استغفار را فراموش
کند و به راه خدا ادامه دهد. این همان است که خداوند فرموده: «لَسْتَ تَدْرِیْهُمْ مِنْ حَبِثٍ»

مجدد و صانعی بقا

لا یغفلون ، به تدریج فرستاد خدا ایشان خواهیم کرد ، از آن راه که نمی دانند .

۷۱- گزینہ (۲) : (درس ۱۲ ، دین و زندگی ۲ ، صفحه ۱۷۳)
 قرآن کریم از دختران و پسران می خواهد که قبل از ازدواج ، حتماً عفاف پیشه بکشد تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد . این موضوع بیانگر یکی از برنامه های آمادگی برای ازدواج ، یعنی « تقویت عفاف و پاکدامنی خود از آغاز بلوغ » است .

۷۲- گزینہ (۳) : (درس ۱۰ ، دین و زندگی ۳ ، صفحه ۱۳۳ و ۱۳۴)
 با ظهور تمدن روم اروپا در دوره قرون وسطی و کنار گذاشتن اعتقادات باستانی و بت پرستی و روی آوردن به مسیحیت ~~مسیحیت~~ ، مردم بت پرست اروپا به یک دین الهی معتقد شدند ، بت ها و بت خانه ها از بین رفت و اتحاد و یکپارچگی در سراسر اروپا حاکم شد .
 اما از سوی دیگر ، مبلغان مسیحی که تبلیغات تبلیغی پیچیده و وسیع را جهت تبلیغ اعتقادات مسیحیت تأسیس کردند بودند ، اعتقادات نادرستی را که از نظر خودشان اعتقادات رسمی مسیحیت بود ، تبلیغ می کردند . بنابراین اعتقادات نادرست مبلغان مسیحی موجب انحراف این تمدن گردید .

۷۳- گزینہ (۱) : (درس ۸ - دین و زندگی ۳ ، صفحه های ۱۰۶ و ۱۰۷)
 در ~~فقه~~ اقتصاد ، باید قبل از ورود به عرصه کار و تجارت ، با احکام تجارت آشنا شویم تا گرفتار کسب حرام نشویم . حضرت علی (ع) در این باره فرماید : لا یأمنن الشرّاء ، الفقه ، ثمّ المتجبر :
 ای گروه تاجران و بازرگانان ، اول یادگیری مسائل شرعی تجارت ، سپس تجارت کردن .

۷۴- گزینہ (۴) : (درس ۱۰ ، دین و زندگی ۲ ، صفحه ۱۴۴)
 شرایط مرجع تقلید عبارت است از : ۱- بانحوه باشد . ۲- عادل باشد . ۳- زمان شناس باشد و بتواند احکام دین را متناسب با نیازهای روز ، به دست آورد . ۴- اعلم باشد ؛ یعنی از میان فقها از همه عالم تر باشد . فقیمی که این شرایط را دارد ، مشروعیت دارد ؛ و اگر نه بیرویه است .

محمد رضایی بقا

(استورات و حرام است)

۷۵- گزینه (۱) (دس ۱۰، دین و زندگی ۱، صفحه ۱۱۸)

شخصی که مسافر است باید نمازش را شکسته بخواند، این است که مسافت رفت او، بیش از ۴ فرسخ باشد و برگشت او بیشتر از ۸ فرسخ باشد.

بنابر این کسی که مسافت رفت او ۳ فرسخ است، باید نماز و روزه اش را کامل انجام دهد.

در گزینه (۲) کسی که رفت او کمتر از ۴ فرسخ نباشد، یعنی ۴ فرسخ یا بیشتر است و وجه بازگشت او کمتر از ۸ فرسخ نیست، پس بیشتر از ۸ فرسخ می شود و مسافر بوده و نمازش شکسته است.

در گزینه (۳) کسی که رفت و برگشت او مجموعاً ۸ فرسخ باشد و رفت او بیش از ۴ فرسخ نباشد (یعنی بیش از ۴ فرسخ است)، مسافر محسوب می شود و نمازش شکسته است.

در گزینه (۴) کسی که هر کدام از مسافت های رفت و برگشت او کمتر از ۴ فرسخ نباشد، یعنی رفت او بیش از ۴ فرسخ بوده و برگشت او بیش از ۸ فرسخ است، پس مسافر محسوب شده و نمازش شکسته است.